



تهدیدهای دولت امریکا، تهدید زندگی مردم ایران

تهدیدهای دولت امریکا، تهدید زندگی مردم ایران

با روی کار آمدن دونالد ترامپ بعنوان رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و اتخاذ مواضع خصمانه نسبت به ایران، همراهی و همدلی دشمنان تاریخی ملت ایران در منطقه و دسته بندی های آنها را پدیدار ساخته است. در این راستا، سخنرانی جنجالی و تهدیدآمیز آقای پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، علیه ایران و صدور دستور العمل دوازده گانه تبخترآبانه او عاری از نزاکت سیاسی و دیپلماتیک، مبتنی بر خواسته انجام اموری متناقض با حاکمیت ملی ایران، پیامدی بس نگران کننده و دور جدیدی از تشنج آفرینی در ابعادی بسیار گسترده تر از گذشته برای منطقه را در پیش خواهد داشت.

نکته درخور توجه اینست که این دستور العمل از سوی دولتی صادر شده که رئیس جمهوری آن با زیرپا گذاشتن تعهدات چند جانبه بین المللی، نقض فاحش مصوبه شورای امنیت و نادیده گرفتن تعهدات حقوقی دولت متبوع سابقش، دست به خروج یکجانبه از موافقتنامه چند جانبه بین المللی زده که با شرکت پنج عضو دائمی شورای امنیت و آلمان در راستای منافع جامعه بشری و حفظ صلح و امنیت بین المللی منعقد گردیده و به تایید شورای امنیت سازمان ملل نیز رسیده بوده است. بی تردید این خروج یکجانبه امریکا نه تنها توافقنامه برجام را متزلزل ساخته، که احتمال اعلام تصمیم های سخت افزارانه آتی از سوی امریکا منطقه را با بحرانی در ابعادی بس گسترده تر مواجه خواهد کرد.

نکته پرسش برانگیز اینست که آیا دولتی که اقداماتش دائر بر عهدشکنی، نقض فاحش عرف بین الملل، حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل بوده درخور رسیدگی توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد و ارجاع موضوع به دیوان بین المللی دادگستری و جبران خساراتهای وارده ناشی از این اقدام خودسرانه علیه ایران که بخاطر حفظ صلح و امنیت بین المللی و پایبندی به تصمیمات شورای امنیت، اقدام به تخریب بخش عمده ای از دستاوردهای علمی و فنی خود که با هزینه میلیاردها دلار انجام گرفته بوده کرده است نخواهد بود؟

دولت امریکا تنها به خروج و تخریب برجام بسنده نکرده، بلکه تولید سیستم موشکی ایران را که وسیله ای برای دفاع متعارف میباشد، با حدس و گمان خود پرسش برانگیز دانسته است. این ادعا در حالیست که امریکا در پایگاههای هوایی و دریایی خود در قریزستان، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان، عربستان، عمان، امارات، بحرین، کویت، قطر، عراق، ترکیه، جیبوتی، و قبرس، مجهر به جت های جنگی و موشکهای پیشرفته ایران را در محاصره دارد؛ و از سوی دیگر، کشورهای منطقه را در اتحادی خصمانه علیه ایران به پیشرفته ترین سلاحهای تهاجمی مجهز ساخته و از پیشرفته ترین موشکهای ضد موشک بهره مند نموده است. این اقدامات امریکا ایرانی را که در جنگ تحمیلی هشت ساله بارها آماج تهاجمات موشکی و سلاحهای شیمیایی تامین شده از سوی شمار زیادی کشورهای از جمله امریکا، اتحادیه اروپا و شوروی بوده نگران می کند، و دستیابی به سلاحهای تدافعی متعارف را حق خود می داند.

سرانجام، دولت امریکا با بی انصافی تمام عمده رویدادها و بحرانهای جاری منطقه را منتسب به ایران دانسته است؛ در حالیکه ریشه بحران های موجود منطقه برگرفته از سوء سیاست و مدیریت امریکا و متحدانش در رابطه با تهاجمات نظامی گسترده در افغانستان و عراق و فرآیند زینبار و اندوهبار سیاسی و اجتماعی ناشی از آن طی چند دهه این دو کشور را نه تنها دچار پریشانی، ناامنی، ویرانی و تلفات بی شمار انسانی نموده، که زمینه مساعدی برای پیدایش و رشد گروههای تروریستی بین المللی چون القاعده، داعش، جبهه النصره، طالبان، الشباب و غیره شده است.

اکنون دولت جدید امریکا به بهانه مبارزه با تروریسمی که خودش در ایجاد آن دست داشته، در مقام ائتلاف با برخی از کشورهای منطقه برای رویارویی با گروههای تروریستی، ولی در واقع به منظور مقابله جویی با ایران برآمده است.

تهدیدهای امریکا به خطر برخورد نظامی بین دو کشور محدود نمی شود. امریکا شریان حیاتی اقتصاد ایران یا صادرات نفت به دیگر کشورها را هدف قرار داده، که سه سال پس از امضای "برجام" تازه به سطح حداقل امکانات صادراتی و سهمیه ایران رسیده است. امریکا با تسلط بر مکانیزم پرداختهای بین المللی جلوگیری از فروش نفت ایران را بیش از پیش نشانه گرفته است. تحریم های ثانویه امریکا شرکت های بزرگ بازرگانی، نفتی و سرمایه گذاری جهان را که با ایالات متحده داد و ستد کلان دارند در داد و ستد با ایران دچار تردید کرده است.

نکته درخور توجه اینست که برخی از دولتهای موثله مورد بحث، به سبب ساختار قبیله ای سنتی و باورمندی به ارزشهای سلفی نه تنها با مفاهیم، ارزشها و اصول دموکراسی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی کاملا بیگانه میباشند، بلکه حمایت آنها از گروههای مخالف مبارز نه بخاطر برقراری دموکراسی، که صرفا به منظور کسب جایگاه مسلط و برتر در رقابت منطقه ای با دولتهای رقیب و گسترش و تثبیت نفوذ خود هستند. چنانکه اقدامات رهبر این ائتلاف در یمن فرآیندی جز کشتار مردم غیرنظامی، تخریب گسترده این کشور و بروز قحطی، گرسنگی و اشاعه بیماریهای مزمن نداشته است. اگر جنایات مطروحه در یمن همانند ابعاد جنایات انجام گرفته در سوریه نباشد، در آینده نه چندان دور کمتر از آن خواهد بود.

گو اینکه تهدیدهای ایالات متحده علیه ایران معطوف به عرصه های مختلف خواهد بود، ولی پیش از هر چیز و بیش از هر چیز شریان حیاتی اقتصاد ایران یعنی صادرات نفت به سراسر جهان را هدف قرار داده است. این تهدیدات حتی پیش از کاهش صادرات نفت ایران و مسدود شدن دریافتهای دلاری نفتی، موج افزایش نرخ ارز به بیش از پنجاه درصد در کمتر از دو هفته و به دنبال آن بالارفتن سریع بهای همه کالاها، بویژه اقلام وارداتی، مانند دارو، کالاهای صنعتی، حتی پوشاک و خوراک کودک، را ایجاد کرده است.

از سوی دیگر، حکومتگران ایران باید بدانند که عصر ماجراجویی در سرزمین های همسایگان، و عصر هجوم و زورآزمایی گذشته است. دخالت ما حتی برای یاری رسانی به درخو است همسایه، فراتر و طولانی تر از آنچه ضرورت راهبردی برای امنیت کشور خود ما داشته

باشد، بهیچوجه خردمندانانه نیست و موجب اتهام دخالت غیرمجاز یا حتی تجاوز توسط جامعه جهانی شده افکار عمومی جهانیان را علیه ما بر می انگیزد.

ماجرای جویی های حاکمیت ایران در منطقه که هرگز مورد خواست و حمایت مردم ایران نیست و طی سه دهه گذشته به بهای از دست رفتن یک سوم درآمد ارزی کشور، بخش مهمی از تولیدات صنعتی داخلی، و کشته و زخمی شدن شمار زیادی از جوانان ایرانی و متحدان مزدور ما تمام شده است. افزون بر آن، بی توجهی به وضعیت داخلی و نیازهای مردم ایران، مانند مشکل بیکاری، بویژه برای زنان و جوانان، اعتیاد گسترده، کمبود خدمات درمانی و بهداشتی، نابودی منابع آبی، قاچاق گسترده کالاهای مصرفی، ناکارآمدی و سوء مدیریت در صنایع و سازمانهای حکومتی، تورم شدید، شدت گیری اختلاف درآمدی و طبقاتی، بالارفتن روند افسردگی و خودکشی های ناشی از ناامیدی، تداوم و شدت گرفتن مهاجرت و فرار تحصیل کرده ها و جوانان نخبه، فرار سرمایه از کشور، نابودی جنگل ها و باغها و آلودگی محیط زیست، از دست رفتن ثروت های طبیعی و منابع ژنتیکی، خشک شدن رودخانه ها و تالاب ها و دریاچه ها در اثر سد سازی های غیر ضروری و سوء استفاده، آلودگی آب و هوا، و از همه مهمتر فساد گسترده و فراگیر در همه ارکان حکومتی، نه تنها ریشه های شکوفایی، خلاقیت و نوآوری بلکه بطور کلی امید به آینده را خشکانده است. خمودگی روحی و فکری مردم، سرخوردگی و ناامیدی مردم، بویژه نسل جوان، ناشی از سرکوب مداوم و تسلط فرهنگ حکومتی خفقان، محدود بودن آزادیهای مدنی، عدم آزادی اندیشه، گفتار، نوشتار و تشکلهای مدنی و سیاسی که ابزار شکوفایی هر جامعه می باشند، کشور ما را که دوسوم مردم آن را جوانان تشکیل می دهند دچار سقوط اخلاقی، اقتصادی و وفاداری به میهن کرده است.

تجربه ملت‌های موفق در پهنه جهانی در هفت دهه پس از جنگ جهانی دوم نشان میدهد که تنها حکومت های ملی دانا و آگاه از امکانات و فرصتها در سطح جهانی و منطقه ای و داخلی میتوانند خود را از محدودیت ها و قیود تاریخی نجات دهند و در زمره کشورهای مرفه، پیشرو، و خوشبخت در آیند. ترکیه، برزیل و مکزیک نشان داده اند که چگونه میشود با درایت و مدیریت شایسته از ژرفای عقب ماندگی و ذلت به اوج توانمندی و افتخار رسید.

کره جنوبی ویران شده در جنگ داخلی، در سایه درایت و خردگرایی و ملی گرایی، علیرغم تهدیدات خارجی و بودجه عظیم نظامی تحمیلی، امروز به یکی از هشت کشور بزرگ صنعتی جهان تبدیل شده است. بازی در درون نظام جهانی و استفاده از فرصت ها و دوستی با همه ملت‌ها، سرمایه ها و بازارهای جهانی را در اختیار صنعتگران و تولید کنندگان کره گذاشته است و محیط سیاسی بین المللی مساعد برای پیشرفت کشور، همه امکانات علمی، تکنولوژیکی و سرمایه ای دنیا را در اختیار دانشگاهها و صنایع کره قرار داده است. ساده ترین بهره برداری کره از صدها سال تجربه دانشگاهی و علمی و هزاران میلیارد سرمایه گذاری آموزشی و اقتصادی ایالات متحده، به دانشگاه رفتن هشت میلیون کره ای و بازگشت آنان به کشور خود است؛ که دستگاه دولت، صاحبان صنایع، آزمایشگاهها، بیمارستانها، و دانشگاهها مشتاقانه منتظر و در استقبال از آنان بوده اند. برای رهبری سیاسی کره، معیار تصمیم گیری درباره هر امر، هر فرد، هر رابطه با هر کشور یا هر سازمان، فقط سودمند بودن آن تصمیم و اقدام برای حفظ و تقویت منافع ملی آن کشور بوده است.

ظهور مجدد موج ملی گرایی در جهان؛ در ایالات متحده، در اروپا، روسیه، خاور میانه و حتی سرزمین های بحران زده ای مانند لبنان و عراق نشان میدهد که حکومت ها با تحولات روحی و روانی تازه ای در سطح جهان بویژه در منطقه خاورمیانه مواجه هستند و هر گونه موفقیت در اجرای سیاست خارجی و برنامه های داخلی معطوف به این تحولات و خواسته ها است.

جبهه ملی ایران تبلور همبستگی ملی و خواست های انسانی مردم ایران برآمده از انقلاب مشروطیت و همه نهضت های آزادی خواهانه مردم ایران از جمله نهضت ملی کردن صنعت نفت است، و اعتقاد دارد تنها در چارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد و همه میثاق های بین المللی می توان با عقل و درایت و توجه به نیازهای ملی و مردمی در راه ترقی و توسعه ملی در مقیاس جهانی گام برداشت. کلید موفقیت در این راه شناخت آزادی، برابری و حقوق مساوی برای هر شهروند ایرانی جدا از جنسیت، اعتقادات مذهبی و وابستگی های قومی و قبیله ای و زبانی، و محل تولد یا زندگی است.

مشارکت موثر هر ایرانی در کار بازسازی ایران و بهره گیری از همه امکانات ملی مستلزم دادن فرصت برابر به هر فرد ایرانی و رفع موانع دستیابی به فرصت ها از راه توزیع بهتر ثروت و درآمد، و سرمایه گذاری در جسم و روح و مغز هر ایرانی است.

جبهه ملی ایران، ضمن هشدار به حاکمیت جمهوری اسلامی که زمان برای بازگشت به خردگرایی و توجه به خواست ملت به سرعت کوتاه میشود و به مرحله بی بازگشت میرسد، تهدیدهای مقامات ایالات متحده امریکا را محکوم می کند و از هر ایرانی در هر کجای جهان درخواست دارد که مخالفت خود را با هرگونه دخالت خارجی در امور ملت ایران ابراز کنند.

جبهه ملی ایران

تهران - ۱۵ خرداد ۱۳۹۷ خ